



## گفتگوی روزنامه لو پاریزین با رضا پهلوی

# واقعیت امروز و آینده ایران

### جدایی دین از حکومت به نفع خود دین است

هم خانواده های قربانیان سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی تسلیت بگویم. نام آنان برای همیشه بخشی از مبارزه برای آزادی و دموکراسی خواهد بود. به شهادت هم میهنانم که ب دست خالی این رژیم خونخوار را به چالش می کشند، افتخار میکنم

**- طی روزهای گذشته ایران شاهد تظاهرات گسترده مخالفان بوده است که با سرکوب شدید و موج گسترده دستگیری ها روبرو شده است. تحلیل شما از رویدادهای جاری تهران چیست؟**  
- پیش از هر چیز مایلیم بار دیگر به

**- آیا این رویدادهای خونین می تواند در بحران اتمی ایران تداخل کند؟**  
همواره به مخاطبانم گفته ام که مسأل اتمی ایران ثانوی است. مسأل حقیقی ایران دموکراسی و حقوق بشر است. فردا یک ایران دموکراتیک، مسئول و شفاف که حقوق بشر را محترم خواهد شمرد، بدون تردید به تعهدات بین المللی اش عمل خواهد کرد و برای تأمین و استقرار صلح خواهد کوشید.  
**- توصیه شما به رئیس جمهوری باراک اوباما، برند جایز نوبل صلح، چیست؟**  
- بسیار فراتر از رهبر یک دولت، در اینجا هم رهبران دولت های دموکراتیک را خطاب قرار می دهم. وقت آن رسیده میان گفتگوی کرهها آنهم با یک رژیم محترم شمرده و دفاع صریح و بی ابهام از تلاش هم میهنانم برای رسیدن به دموکراسی یکی را برگزینند. دیگر بی تفاوتی و بی اعتنائی پذیرفتنی نیست. از شما همان چیزی را می خواهم که مردم ایران می گویند: جبه خود را انتخاب کنید.

کرده ام.  
**- سی سال پس از "انقلاب خمینی که میراث دارانش ظاهراً در حال دریدن یکدیگرند، آیا می توان گفت که رژیم اسلامی با شروع پایانش روبروش شده است؟**  
- بدون شک شاهد چنین روندی هستیم. در جهانی که ارتباطات و اینترنت در آن دست بالا را دارند، هم میهنان من که سه چهارم شان کمتر از ۳۵ سال دارند، نمی توانند یک رژیم تمامیت خواه را که بر مذهب متکی است بپذیرند. این بدان معنا نیست که در ایران فردا دین جایگاه خود را نخواهد داشت. جدایی دین از حکومت به نفع خود دین است، چنانکه نیز بخش وسیعی از روحانیان بلندپایه ایران به لزوم این جدایی پی برده اند. اظهارات مرحوم آیت الله العظمی منتظری و آیت الله کاظمین بروجردی که هم اکنون در زندان به سر می برد یا دیگر روحانیان بلند پایه کشور چنین جهتی را دنبال می کنند. آنان از خلال تجربه شان طی سی سال گذشته به این نتیجه رسیدند که برای ایران راه حل مناسب لائسیسم یا همان جدایی

دین از حکومت است. امیدوارم که دیگر مسئولان جنبش اعتراضی کنونی سریعاً به چنین جمعبندی برسند که به اعتقاد من خواست فراگیر مردم ایران است.  
**- آیا مجازات های اقتصادی غرب و تهدید اعمال مجازات های شدیدتر نقشی در تب و تاب کنونی ایران ایفا می کند؟**  
- هر فشاری که از خارج بر رژیم وارد شود می تواند به مردم ایران در مبارزه شان برای رسیدن به دموکراسی یاری رساند. مجازات ها نیز تأثیراتی دارند، اما جنبش اعتراضی کنونی بسیار عمیقتر است. اهداف و آرزوهای هم میهنان من بسیار گسترده تر از مسائل صرفاً اقتصادی است.  
**- آیا نگران نیستید که یک حمام خون دیگر به راه بیافتد؟**  
- همیشه نگران این مسأله بوده ام. هدف من تلاش برای به حداقل رساندن دامن آن است. به همین خاطر از هم میهنانم دعوت می کنم تا به گونه ای منظم به مبارزات خود ادامه دهند و در عین حال - چنانکه دیروز نیز گفتم - نیروهای مسلح را به سرپیچی از فرمان خشونت، به تافرمانی و رعایت بی طرفی فرا میخوانم.

آنچه در کشورم می گذرد باعث تعجب من نیست. زمینه های این رویدادها از مدت زمانی طولانی وجود داشتند. به دفعات و به ویژه در کتاب اخیرم خبر این انقلاب را داده بودم. تعجب نمی کنم که در شروع پایانش، جمهوری اسلامی بکوشد تا بقای خود را با دستگیری و شکنجه و قتل تأمین کند. اما، یقیناً این رویه رژیم را به مقصودش نخواهد رساند. مردم ما هرگز تسلیم نخواهند شد. مصممیم که این راه را تا آخر بییمائیم.  
**- مطالب جوانان ایرانی که چنین آشکارا مقامات اسلامی را به چالش می کشند، چیست؟ آیا تنها شاهد شورش علی احمدی نژاد هستیم (که انتخاب دوباره اش در خرداد ماه گذشته با اعتراض روبرو شد) یا علیه کلیت رژیم؟**  
- مسأله فراتر از یک فرد است. بدیهی است که اعتراض ها علیه کلیت این رژیم است. گویا ترین شاهد این مدعا آتش زدن تصاویر ولایت مطلقه است. جوانان ما خواستار مدرنیته و در نتیجه خواستار یک تغییر بنیادین هستند. اکثریت بزرگ آنان دموکراسی عرفی ای را می خواهند که از زمانی طولانی آن را مطرح